

**یادداشت شفاهی:**



مصطفی ملکیان

**چرا تخیلان ضعیف می شود؟**

کانال استاد مصطفی ملکیان متن بخش هایی از سخنرانی «اخلاقی زیستن و اجتماعی عمل کردن» را منتشر کرده است. عنوان مطلب منتشرشده «دلایل ضعیف شدن قدرت تخیل» است که بخش هایی از آن را با هم می خوانیم:

**■ خودشیفتگی**

«چرا قدرت تخیل در ما ضعیف می شود؟ عوامل فراوانی هست که اینجا به همه آن ها نمی توان بپردازیم. اولین خودشیفتگی (narcissism) است. تا وقتی اهداف من را معناست که شخص شیفته خود ش می شود و این عشق به خودش، او را از بین می برد. در حالت افراطی به این می انجامد که فرد بقیه افراد را شی می بیند، نه شخص. در واقع فکر می کند دیگران آشایی هستند که مقاصد من را برآورده می کنند. تا وقتی اهداف من را برآورده می کنند، از آن ها استفاده می کنم، بعد آن ها را دور می اندازم.

**■ تأثیرات خودشیفتگی**

به میزانی که این خودشیفتگی را داریم دو چیز بر ما عارض می شود: یکی اینکه دیگران را در واقع انسان نمی دانیم و یکی هم اینکه در دیگران چیزی را که خودمان می خواهیم، می خوانیم. مثلا وقتی به دیگری دروغ می گویم و می رنجد - و طبیعی است که برنجد و خودمان هم از دروغ شنیدن می رنجیم - می گویم فلانی زودترج است، یا از قبل کنورتی از من داشته است؛ در صورتی که واقعیت چیز دیگری است. احساسات و عواطف دیگران را بلافاصله جوری تفسیر می کنیم که انگار فقط خودمان انسان هستیم.

**■ نیازهای عملی**

نیازهای عملی نمی گذارد در پوست دیگران برویم. وقتی در بانک می روید کارتان این است که یک چک بدهید و پولی بگیرید. به خاطر همین به ما کند بانک فقط به عنوان یک دستگاه نگاه می کنید، چون نیازتان همین است. دیگر نمی توانید بفهمید که مثلا مفروض است یا دختری فلج دارد و ... چون نمی توانید تصور کنید. تا نتوانست کارش را انجام دهد درگیرنگخته می شوید. نمی گویند «اگر من خودم جای او بودم ممکن بود من هم خطا کنم». این به خاطر این است که نیاز عملی شما این است که او باید کار خاصی انجام دهد.

**■ لقب دادن به افراد**

وقتی عنوان و لقبی به انسان ها می دهیم، نمی توانیم آن ها را انسان ببینیم. می گویم «فلانی یهودی است یا افغانی» فکر نمی کنیم او هم مثل ما ست. در اروپا به شرقی ها و مخصوصا عرب ها می گویند «موسیه»: همان معامله ای که ما با انسان هایی می کنیم که دقیقا مثل ما انسان هستند. وقتی به دیگری می گویم افغانی، دیگران هم با ما همین کار را می کنند. یا در جوامع مردسالار می گویند «فلانی زن است»، یا در جوامعی که برده دار بودند می گفتند «فلانی برده است» و همین کلمه مجوز رفتاری بود که با آن ها می کردند.

**■ اثرات عنوان و لقب دادن به دیگران**

این عنوان و لقب دادن ها دو اثر دارند: اثر اول این است که می گویند: «با فلائی لازم نیست ارتباط برقرار کنی؛ با عنوان او را می شناسی و کافی است». مثلا وقتی با شما بر خورد می کنم و از ظاهر شما دین، آستان، جناح سیاسی و وضعیت مالیتان معلوم نباشد، برای شناختن شما باید با شما صحبت کنم. اما اگر فهمیدم مثلا مذهبی هستید، می گویم من ایشان را شناختم و نیازی به ارتباط نیستم. اگر فهمیدم هم حزب من هستید نیاز به ارتباط نیستم چون حتما خوب هستید و اگر هم حزب من نبودید معلوم می شود که بد هستید. اثر دومی که لقب ها دارند این است که تفاوت ما آدمیان را بیش از حدی که هست، نشان می دهند. ما آدمیان این قدر با هم تفاوت نداریم: ایرانی و ژاپنی، فقیر و ثروتمند، قرن نوزدهمی و قرن بیستمی؛ کلیشه ها این را زیاد می کنند.

وقتی روی کسی عنوانی گذاشتید کم کم با او جوری رفتار می کنید که آن عنوان صادق می آید. آمریکایی ها سیاه پوستان را در قرن هجدهم و نوزدهم به کشور خودشان آوردند. می گفتند «این ها خیلی خشن هستند و چشم طمع به مال آمریکایی ها دارند و می توانند به ارباب حیانت کنند». وقتی این دیدگاه جا بیفتد، رفتار بد با سیاه پوستان رایج می شود، وقتی با این ها بد برخورد شود ممکن است واکنش خشنی هم نشان دهند. بعد می گویند «دیدید گفتیم این ها خشن هستند. به این ها می گویند «پیش بینی های کامرواکننده»؛ مثلا من شما را پیش بینی می کنم با اینکه این پیش بینی ها درست نیستند ولی وقتی بر اساس این پیش بینی با شما رفتار می کنم کم کم آن پیش بینی در مورد شما راست می شود؛ در حالی که از روز اول دروغ بود. »

**در نشست خبری «روز عکس تاریخی ایران» مطرح شد**

**عکس زیارتی، سوغات قدسی**



عکس: مصطفی شهبخت لهریزلی

اوپا اشاره به روند توجه به عکس تاریخی در شهرستان ها گفت: مشهد سال هاست که در زمینه عکس تاریخی فعالیت می کند و آرشیو خیلی خوبی دارد. تبریز هم در این زمینه قدم هایی برداشته است اما گستره بیشتری روستاهای ایران عکس های زیارتی دیده می شد، الان این عکس ها حتی تا کشورهای مختلف می روند.

این عکس در باره تصویری که امروزه در عکس ها از مابه جهانیان مخابره می شود گفت: ما امروز دچار آلودگی تصویری شدیم و بسیاری سخت شده است که یک عکس خوب تولید کنیم. از ما چهره های مختلفی به جهانیان مخابره شده است و این خاصیت عکاسی است. اما قضاوت درباره دوره ای که در آن هستیم سخت است. در واقع وقتی که از آن دوره عبور کنیم، می توانیم درباره اش صحبت کنیم.

**عکاسی زیارتی یک موجود زنده**

ترابی با تأکید بر اینکه عکاسی زیارتی، فرزند عکاسی فوری و یک موجود زنده است که فقط در مشهد وجود دارد گفت: این نوع عکاسی همراه با عامی ترین مردم و نازل ترین سطح آگاهی های عکاسی، با توجه به ناخودآگاهی جمعی مذهبی و پیوند آن با مجموعه حرم مطهر و حضور امام رضا(ع) در مشهد شکل گرفته است. در واقع عکس زیارتی یک سوغات قدسی است و چون با اعتقادات مردم گره خورده، مردم آن را دوست دارند و از آن نگهدای می کنند. او ادامه داد: یکی از پایه گذاران این جریان مرحوم ابراهیم ذهبی بود. او در اطراف حرم یک بالاخانه گرفته بود و در بالکن آن که مشرف به حرم بود از مردمی که پشت سرشان حرم بود عکس می گرفت. به تدریج با پیشرفت تکنولوژی و بهتر شدن سازوکارها شرایط برای کار داخل استودیوها فراهم شد. در استودیوها صحنه هایی مانند نورمانی حرم و ضریح نقاشی شده که با پیشرفت تکنولوژی و بهتر شدن سازوکارها شرایط برای کار داخل استودیوها فراهم شد. در استودیوها صحنه هایی مانند نورمانی حرم و ضریح نقاشی شده که با پیشرفت تکنولوژی و بهتر شدن سازوکارها شرایط برای کار داخل استودیوها فراهم شد. در استودیوها صحنه هایی مانند نورمانی حرم و ضریح نقاشی شده که با پیشرفت تکنولوژی و بهتر شدن سازوکارها شرایط برای کار داخل استودیوها فراهم شد.

**آنتونینو جانوتزی اولین ثبت کننده تصاویر مشهد**

در ادامه پاسکواله دوریا، روزنامه نگار اهل ماترای ایتالیا، ضمن معرفی شهر خود گفت: من از یک شهر کوچک ۶۰ هزار نفری به اسم ماترا آمدم. این شهر از سال ۱۹۹۳ میلادی شهر یونسکو است و در سال ۲۰۱۹ پایتخت فرهنگی اروپا خواهد شد. شهر من یکی از قدیمی ترین شهرهای جهان است. در آن آثاری از عصر حجر پیدا شده است. مردمانی که در آن جا رفت و آمد داشته اند آثاری از خودشان به جا گذاشتند که ما فکر می کنیم باید این را به شما تقدیم کنیم. من از شهری می آیم که آنتونینو جانوتزی در آن جا به دنیا آمده است. او برای شما مهم است چون اولین عکاسی با ماهم مهم است چون اولین عکاسی است که از استان

**روزنوشت**

**دفِ عمومی**

خودش این آشنایی نقطه عطفی در زندگی هنری وی به شمار می رود، چون که لطفی، بعد از پدرش، نقش مهمی در آشنایی او با تار و موسیقی ایرانی داشته است. همچنین این آشنایی باعث ورود وی به گروه «شیدا» به عنوان نوازنده تنبک می شود؛ اما پس از مدتی با ورود برادرش، ارژنگ کامکار، به گروه، وی به نوازندگی رباب روی می آورد. بیژن کامکار بعد از گروه «شیدا» به عضویت گروه «عارف» نیز در می آید.

**وارد کردن دف به اجراهای عمومی**

شاید بتوان مهم ترین نقش وی در موسیقی ایران را وارد کردن ساز دف به اجراهای عمومی برای اولین بار دانست. او زمان عضویت در گروه «شیدا» به

پیشنهاد محمدرضا لطفی از ساز دف در یکی از کنسرت های گروه استفاده کرد که این اتفاق با اقبال فراوان علاقمندان مواجه شد. امروزه دف



قاب

**طرح جلد های برتر ۲۰۱۷ انتخاب شد**

روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی زیباترین طرح جلد های کتب منتشرشده در سال ۲۰۱۷ را منتشر کرده است. بیشتر نویسندگان مطرح جهان سعی می کنند کتاب های خود را با طراحی جلد مناسب و جذاب برای مخاطب منتشر کنند. در حقیقت طراحی جلد یکی از اصلی ترین عوامل فروش کتاب در بازار است. به همین دلیل بسیاری از ناشران و حتی نویسندگان تازه کار برای جذاب تر شدن کتاب های خود از طراحان متخصص کمک می گیرند و همین طراحای جلد را به شغلی دائمی در عرصه چاپ و نشر تبدیل کرده است. دو نمونه از این طرح جلد ها را با هم می بینیم. تصویر سمت راست مربوط به کتاب «همه چیزی که دیدیم» نویسنده: آن میشلر / طراح جلد: جنت هانسن و تصویر سمت چپ مربوط به کتاب «مردن در بهار» نویسنده: رالف روتمن / طراح جلد: اولیور ماندی» است.



**وتیرین**

**«اسرارخانه کبوتران» در کانون**



رمان «اسرار خانه کبوتران» نوشته سوب هادرا سین گوپتا با ترجمه شهناز صاعلی ازسوی کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان منتشرشد. به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان، «پرویز»، «امینه» و «لاکسمن» سه کودک هندی و فقیرند که سوب هادرا سین گوپتا داستان زندگی این سه کودک را دستمایه خلق رمانی کرده است.

صاعلی مترجم این اثر می گوید: این کتاب به طور کامل به فضای بومی هند می پردازد؛ بنابراین می تواند نقش یک دایره المعارف را برای مخاطبان ایفا کند.

رمان ۱۳۲ صفحه ای «اسرار خانه کبوتران» با شمارگان ۴ هزار نسخه و قیمت ۶ هزار تومان منتشر شده است. این کتاب با رعایت قوانین بین المللی نشر و کسب اجازه رسمی از نویسند و تصویرگر به چاپ رسیده است.

**کهنکشان ها و من**



کتاب داستانی «کهنکشان ها، توو خدا و من» منتشر شد. این کتاب در قطعی کوچک به قلم عیسی طائر شیدایی (عطش) به رشته تحریر درآمده و انتشارات «خاموش» آن را چاپ کرده است. این اثر در قالب داستان کوتاه می گنجد و زبانی شعرگونه و مملو از تصاویر سوررئالیستی دارد. انتشارات خاموش این کتاب را در ۹۵ صفحه با تیراژ ۳۰۰ نسخه و قیمت ۹ هزار تومان منتشر کرده است.

**زندگی مهاجران در «دال»**



با انتشار رمان «دال»، سرنوشت یکی دیگر از آثار محمود گلادبره ای مشخص شد.

علی خلیلی، وصی محمود گلادبره ای، به ایسنا گفت: رمان «دال» براساس زندگی مهاجران ایرانی بعد از انقلاب اسلامی در سوئد نوشته شده است. این کتاب برای اولین بار در سال ۶۵ به چاپ رسید. بعد از بازگشت گلادبره ایی از آمریکا در سال ۷۹ مجددا چاپ شد و چاپ فعلی، چاپ سوم کتاب است. کتاب در رابطه با زندگی مهاجرانی است که با وقوع انقلاب اسلامی به کشورهای اروپایی مهاجرت کرده اند و زندگی در آن کشورها را به زندگی در وطنشان ترجیح داده اند. در این کتاب گلادبره ایی مهاجران را تا خانه شان تعقیب می کند و از زندگی و کار و رفتار آن ها می گوید. رمان «دال» را «دکتر نشر معارف» با شمارگان ۲ هزار نسخه و قیمت ۲۰ هزار تومان منتشر کرده است. این اثر هم اکنون در سراسر کشور و در تمام استان ها در دسترس عموم قرار دارد.